

تأملی بر حاشیه‌نشینی و اثرگذاری آن بر امنیت اجتماعی

(با تأکید بر شهر همدان)

سکینه هادی پور^۱، شهرزاد زیوری^۲

۵۱-۷۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۳۰

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۷/۲۰

چکیده

معمولاً حاشیه‌نشینان را کسانی می‌دانند که در شهرها زندگی می‌کنند، ولی به دلیل مجموعه عواملی نتوانسته‌اند جذب نظام اقتصادی- اجتماعی شهر شوند و به عنوان یک شهروند از امکانات و خدمات شهری بهره‌مند گردند. اگر چه امروزه حاشیه‌ها را جزئی از شهرها می‌دانیم که بافتی مشترک با شهرها پیدا کرده‌اند، ولی حاشیه‌ها اغلب دارای فرهنگ ناباروی هستند و همچنان به مناطق جرم‌خیز و مشکل‌زا تبدیل می‌شوند. مناطقی که به گفته جامعه‌شناسان، فرهنگ فقر و فقر منطقه‌ای، مشخصه اصلی آن است و جرم و جنایت، زاییده این فرهنگ است که نه تنها تهدیدی علیه امنیت اجتماعی مردم این منطقه به شمار می‌رود، بلکه امنیت اجتماعی ساکنان شهرها را نیز تهدید می‌کند.

واژگان کلیدی: حاشیه‌نشینی، توسعه پایدار، امنیت اجتماعی، فرهنگ فقر، رفتارهای ضد اجتماعی.

^۱ - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی (نویسنده مسئول) (hadipoor 2538 @ yahoo.com)

^۲ - کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، دبیر آموزش و پرورش (fh62kamel43@ yahoo.com)

مقدمه

حاشیه‌نشینی، همزاد شهرهای امروزی در همه‌جای جهان است و به تعبیر امانوئل کاستلز، خود سازنده جهانی با خصوصیات مشترک و متفاوت از جهان‌های تاکنون موجود شده است. براساس برآوردهای اسکان بشر سازمان ملل، حدود ۱ میلیارد نفر از جمعیت جهان اکنون در زاغه‌ها و حاشیه‌های شهری یا به صورت اسکان غیررسمی زندگی می‌کنند و بر اساس اهداف، باید تا ۲۰۲۵ حداقل ۱۵۰ میلیون نفر از این افراد صاحب سرپناه و خانه شوند. با توجه به این نکته که اکنون در آغاز قرن بیست و یکم حدود نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و شهرنشینی بستر انواع تضادها و تعارض‌های اجتماعی در هر کشوری است، شهر محل تمرکز ثروت و انباشت فقر است (نقدی، ۱۳۸۵). قدمت طولانی شهر و شهرنشینی در ایران، موجب تأثیر آن از شرایط حاکم بر ادوار متفاوت تاریخی کشور شده و به ارائه‌ی سیما و منظر متفاوتی از آن در هر دوره انجامیده است. علی‌رغم همه‌ی عوامل تأثیرگذار در مهم‌ترین مشخصه شهرهای گذشته، سکون آن‌ها بود و محدوده تحت اشغال این شهرها و تعداد شهروندان آن‌ها از حدی مشخص فراتر نمی‌رفت. (یاراحمدی، ۱۳۷۸). در حالی که به نظر می‌رسد شهرهای امروزی با تأثیرپذیری از تحولات سده و به‌خصوص دهه‌های اخیر در مسیر زوال و نابودی قدم گذاشته و مثل «آب رفته به جوی شده‌اند». حوادث و تحولات دهه‌های اخیر چنان بر ساخت و بافت شهرهای کشور تأثیر گذاشته که افسار اداره شهرها را از دست مدیران شهری خارج کرده‌اند و شهرها همانند بیماری شده‌اند که مرض آن علاوه بر خود شهر، شهروندان را نیز از پا در می‌آورد.

بیان مسأله

مفهوم توسعه در طی چند دهه اخیر از انحصار دیدگاه‌های رشد اقتصادی و انگاره‌های غربی خارج شده است و دیگر هدف توسعه افزایش معرف سرانه نیست. توسعه، روندی فراگیر در جهت افزایش توانایی‌های انسانی - اجتماعی برای پاسخگویی به نیازهای انسانی - اجتماعی، ضمن آنکه نیازها پیوسته در پرتو ارزش‌های فرهنگی جامعه و بینش‌های جهان پالایش یابند. این گونه توسعه، نیازهای کنونی را بدون کاهش توانایی نسل‌های آتی در برآوردن نیازهایشان برآورده می‌کند و توسعه‌ای پایدار است.

روند توسعه باید همراه با افزایش توانایی‌ها به گسترش انتخاب ساکنان منطقه در حوزه‌های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی بینجامد تا توسعه‌ای انسانی باشد (صرافی، ۱۳۷۹: ۴۱ و ۴۰).

شهر مکان برخورد دارایی و فقر است در شرایط فقر اقتصادی - فرهنگی و اجتماعی) ویژگی‌های غیرکارکردی شهر و جمعیت آن بروز می‌کند. این تضاد نوعی بیماری شهری است و مانعی در برابر توسعه شهری به شمار می‌رود (ربانی، افشار کهن، ۱۳۸۱: ۱۲۳).

درون‌زا نبودن رشد در کشورهای در حال توسعه و عدم انطباق آن با فرهنگ بومی سبب ایجاد مشکلات فراوانی در شهرهای این کشورها شده است، یعنی مسأله‌ی یک‌قطبی بودن شهرنشینی، حاشیه‌نشینی به صورت حاد، مهاجرت‌های سریع و بی‌رویه روستاییان به شهر، مسائلی از این قبیل که ناشی از وابستگی اقتصادی و فرهنگی این جوامع است: (صرافی، ۱۳۸۱: ۲۳ - ۱۸).

حاشیه‌نشینی پدیده‌ای است که در کنار سایر پدیده‌های تأثیرگذار در شهر بر مشکلات شهری افزوده است. این معضل، چهره و سیمای شهر را بدقیافه و زشت

می‌نماید و باعث تشدید دوگانگی در جامعه شهری، افزایش فاصله طبقاتی و بسیاری از مشکلات دیگر می‌گردد. بر این اساس حاشیه‌نشینی یک مسأله یا عارضه شهری است که می‌تواند منبع اصلی بسیاری از بزهکاری‌ها و جرم‌ها قرار گیرد.

افرادی که در مناطق حاشیه‌نشین زندگی می‌کنند از ساخت قدرت و سیاست عمومی جامعه جدایی یافته و به عنوان گروه پست اجتماعی تلقی می‌گردند. اگر چه امروزه حاشیه‌ها را جزئی از شهرهای مهم می‌دانیم که بافتی مشترک با شهرها پیدا کرده‌اند، ولی حاشیه‌ها اغلب دارای فرهنگ ناباروری هستند و همچنان به مناطق جرم‌خیز و مشکل‌زا تبدیل می‌شوند، مناطقی که به گفته برخی جامعه‌شناسان، فرهنگ فقر یا فقر منطقه‌ای مشخصه اصلی این مناطق است و جرم و جنایت که زاییده این فرهنگ است نه تنها تهدیدی علیه ساکنان خود به شمار می‌رود، بلکه نگرانی ساکنان شهرها را نیز برانگیخته است. حال این سؤال‌ها پیش می‌آید:

۱- چه عواملی در وقوع جرم و جنایت و نهایتاً پایین بودن امنیت اجتماعی در این مناطق دخیل است؟

۲- آیا فرم‌های فضایی و محیط کالبدی محله و زمینه را برای وقوع انواع جرایم فراهم می‌آورد و یا فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی حاشیه‌نشینان و یا عوامل دیگر در این زمینه دخیل است؟

با توجه به گفته لوفور «سرنوشت بشر نه در میان ستارگان و نه در روستاها بلکه در شهرها تعیین می‌شود» (عابدین درکوش، ۱۳۸۵: ۱). ضرورت توجه بیش از پیش شهرسازان و برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران به مسائل شهری آشکار می‌شود. از طرف دیگر، حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، مسأله‌گذار و با ابعاد محدود نبوده، توافقی بر بقا، باز تولید و بسط آن وجود ندارد که حاکی از عدم کفایت راه‌حل‌ها و سیاست‌های شهری متداول است و رهیافت و اقدامات نوینی را می‌طلبد.

اهمیت و ضرورت موضوع

با توجه به وضعیت کنونی جامعه شهری ایران، پدیده حاشیه‌نشینی یا امکان غیررسمی کشور، یکی از مهم‌ترین معضلات اجتماعی شهری است. در تبیین کلی پدیده اجتماعی - اقتصادی ناشی از علل ساختاری مانند نابرابری در فرصت‌ها، توزیع منابع، ثروت و درآمد جامعه است که در فرآیند رشد و توسعه به شکل‌های عدم تعادل منطقه‌ای، شهری، روستایی ظهور کرده است.

بررسی ویژگی‌های جوامع اسکان غیررسمی و حاشیه‌ای نشان می‌دهد که این جوامع یا از مهاجران تهی دست روستایی و یا اقشار محروم شهری‌اند و علی‌رغم اینکه محلات حاشیه‌نشین هر یک ویژگی‌های منحصر به فردی دارند، ولی در برخی خصوصیات از جمله فقر و آسیب‌های اجتماعی گسترده مشابه‌اند.

در بررسی وضعیت انحرافات اجتماعی مشاهده شده است که میزان جنایت‌ها، روسپی‌گری‌ها، استفاده از مواد مخدر، دزدی‌ها، ناراحتی‌های درونی، سرپیچی از قوانین و ناسازگاری‌های خانوادگی در مناطق حاشیه‌ای بیش از سایر مناطق شهری است. با این حال همه مناطق حاشیه‌ای دارای سهم یکسانی از تخصیص جرائم نیستند، بلکه محله‌هایی هستند که خود به سبب کثرت ارتکاب جرایم به کانون‌هایی از فساد، تبهکاری و انحرافات اجتماعی تبدیل شده‌اند که امنیت اجتماعی نیز به دنبال این آسیب‌ها خدشه‌دار شده است و نیاز به مطالعه همه‌جانبه در حوزه‌های علوم اجتماعی و رفتاری دارد، لذا در صورت بی‌اهمیتی به موضوع مورد مطالعه، جامعه در حوزه‌های مختلف اقتصادی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز دچار بحران خواهد شد، چراکه همیشه حاشیه‌ها متن را تهدید می‌کنند، ناامنی در حاشیه طبیعتاً در متن نیز اثر خواهد گذاشت.

جامعه نامن به هیچ عنوان توسعه پیدا نخواهد کرد، برای همین پیش‌نیاز توسعه در حوزه‌های مختلف انسانی، اجتماعی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی همین مقوله اجتماعی است، که نیاز هست به صورت همه‌جانبه مورد تحلیل قرار گیرد.

روش تحقیق

کلیه وسایل و مراحل جمع‌آوری نظامند اطلاعات و نحوه تجزیه و تحلیل منطقی آن‌ها را برای نیل به یک هدف معین، روش علمی تحقیق می‌گویند (نبوی، ۱۳۷۲: ۸). در این تحقیق از روش «توصیفی-تحلیلی» استفاده شده است. در تحقیقات توصیفی - تحلیلی محقق به دنبال چگونگی موضوع است، یعنی می‌خواهد بداند که پدیده، متغیر، شیء یا مطلب چگونه است؟ به عبارت دیگر در تحقیق وضع موجود را بررسی می‌کنند و به توصیف و تحلیل منظم و نظام مند آن می‌پردازد. ویژگی‌ها و صفات آن را مطالعه و در صورت لزوم ارتباط بین متغیرهای «حاشیه نشینی-امنیت اجتماعی را بررسی می‌کنند (حافظ نیا، ۱۳۸۳: ۵۸). در این مقاله ضمن بررسی تاریخیچه حاشیه‌نشینی، نقش و موقعیت آن در امنیت اجتماعی به‌ویژه در شهر همدان به بحث گذاشته شده است.

بررسی روند شهرنشینی کشور در پیوند با حاشیه‌نشینی

شهرنشینی در سرزمین ایران با کشف منابع نفت و استخراج آن از قرن سیزدهم هجری شمسی به بعد شتاب گرفت. این منبع درآمد جدید زمینه فروپاشی اقتصاد و جامعه سنتی را فراهم کرد و به کشاورزی در اقتصاد ملی نقش حاشیه‌ای بخشید. (ابراهیم‌زاده، نگهبان مروی: ۱۵۳) که موجب زمینه شکاف بین شهر و روستا شد در پیوستگی ایران به بازار تقسیم جهانی و کار و ایفای نقش بر مبنای تک‌محصولی و مبتنی بر نفت این شکاف را بیش‌تر کرد (نظریان، ۱۳۸۱: ۱۳۷).

عوامل مذکور به همراه علل و عواملی چون نابرابری درآمدها در شهر و روستا، اتوماسیون کار کشاورزی، تفاوت و نابرابری در امکانات تحصیل سنتی درآمد در شهر و روستا، عدم موفقیت در بسط و گسترش کشاورزی، تمایلات باطنی مهاجران، کمبود امکانات رفاهی و آموزشی در روستا، رها شدن از حیات بسته روستایی، توسعه و گسترش صنایع مونتاژ در شهرها، فقر و نداری و گرسنگی آشکار و پنهان، سختی معیشت، مهاجرت و فرارهای دسته‌جمعی از مناطق سیل یا زلزله‌زده و ناامن، نقش مستقیم و غیرمستقیم دول استعمارگر، پیدایش رژیم و تفکرات سرمایه‌داری که منجر به توجه هر چه بیشتر برنامه‌های عمرانی کشور به صنایع مصرفی شد - تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم جنگ‌های جهانی (آیرملو، ۱۳۶۲: ۸ - ۱۰۸)، قطعه قطعه شدن اراضی کشاورزی در نتیجه اصلاحات ارضی و قانون ارث، ضعف اقتصادی زارعان برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی بعد از خارج شدن زمین‌ها از دست خان‌ها و ارباب‌ها، ازدیاد نیروی کار روستایی، تأثیر زرق و برق خیره‌کننده شهرها در نتیجه سرمایه‌گذاری گسترده دولت در آن‌ها، وقوع انقلاب اسلامی و تأثیرات ناشی از اقدامات و ایدئولوژی آن، وقوع جنگ تحمیلی و مهاجرت گسترده و غالباً بازگشت جنگ‌زدگان، موجبات مهاجرت گسترده روستاییان به شهرها را فراهم ساخت به گونه‌ای که جمعیت شهرنشین کشور در یک دوره ۴۰ ساله ۷۵ - ۱۳۳۵ حدود شش برابر شد (شکویی، شکرگزار، ۱۳۸۱: ۷۷).

بنابراین شهرنشینی در ایران با بروز و ظهور مشکلاتی چون بی‌مسکنی و بدمسکنی، معضل حاشیه‌نشینی و رشد زاغه‌ها و سکونتگاه‌های غیررسمی، چالش‌های زیست محیطی، عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم و بهداشتی، معضل دفع زباله و عدم بازیافت آن، مشکلات ترافیکی و آلوده‌شدن، گسترش آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، گسترش آسیب‌های روانی و شخصیتی، مشکل توزیع عادلانه تر امکانات و خدمات

شهری مورد نیاز شهروندان، مسأله تأمین کار و درآمد برای آحاد شهروندان، انواع نارضایتی‌های جمعی و ظهور پدیده‌وندالیسم و احساس عدم تعلق و بیگانگی با شهر همراه بوده است (نقدی، ۱۳۸۲: ۲).

مفهوم حاشیه‌نشینی

در فرهنگ عمید: حاشیه در لغت به معنای کنار هر چیز و کنایه از کسان و اطرافیان آمده است. اصطلاح حاشیه‌نشینی با تعابیری همچون اسکان غیررسمی، سکونتگاه‌های خودرو و زاغه‌نشینی تقریباً مترادف است.

صاحب‌نظران و کارشناسان مسائل شهری تعاریف متعددی از حاشیه‌نشینی ارائه کرده‌اند. برخی عقیده دارند حاشیه‌نشینان کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می‌کنند، ولی جذب نظام اقتصادی و اجتماعی نشده‌اند. جاذبه شهرنشینی و رفاه شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطب‌های صنعتی و بازارهای کار می‌کشاند و اکثر آنان مهاجران روستایی هستند که به منظور گذراندن بهتر زندگی راهی شهرها می‌شوند (یاوری، ۱۳۸۳: ۶۱۲) و به تعبیری که از حاشیه‌نشینی ارائه شده است، ساختمان یا بخشی از شهر که در آن ویرانی، نارسایی عرضه خدمات درمانی، تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی نظیر سیل دیده می‌شود و به نظر می‌رسد که به تعبیر یاد شده باید اوصافی چون عدم امنیت، جرم‌زا بودن و نیز مأمّن و پناهگاه امن برای بزهکاران را اضافه نمود (احمدیان، ۱۳۸۲: ۲۹۶ - ۲۷۶).

اسکان غیررسمی، یکی از چهره‌های بارز فقر شهری است که در درون یا مجاور شهرها به ویژه شهرهای بزرگ به شکلی خودرو و فاقد مجوز ساختمان و برنامه‌ریزی رسمی شهرسازی، با تجملی از اقشار کم درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل می‌گیرد و با عناوینی همچون حاشیه‌نشینی، اسکان غیررسمی،

سکونت‌گاه‌های خودرو و نابسامان نامیده می‌شود. با توجه به نارسا بودن اصطلاح حاشیه‌نشینی و آلونک‌نشینی برای کلیه اشکال این پدیده، اصطلاح اسکان غیررسمی، به تعبیری گسترده جای حاشیه‌نشینی و آلونک‌نشینی به کار می‌رود. از این رو اصطلاح اسکان غیررسمی شامل حاشیه‌نشینی و اشکال متعدد است (کمانرودی، ۱۳۷۷).

فرهنگ فقر در مناطق حاشیه‌نشین و امنیت اجتماعی

افزایش جمعیت جهان سبب می‌شود که اولویت خاصی برای مسائل توسعه اقتصادی و اجتماعی قایل شوند و به عوامل اقتصادی به‌ویژه عوامل فرهنگی به مثابه تسریع-کننده یا موانع گسترش تولید و توزیع عادلانه ثروت‌ها و منابع لازم برای زندگی نه تنها از نظر فیزیولوژیک بلکه از نظر فکری و اخلاقی بشریت توجه ویژه‌ای شود.

رشد مداوم جمعیت شهرها، اوضاع و شرایط محل سکونت، شغل، محیط خانوادگی و اجتماعی بعد فرهنگی روشنی را دربردارد و جهان شهری، حامل فرهنگی است که می‌تواند زندگی درون مهاجران تازه‌ای را که بیش از آن در فرهنگ‌های گوناگونی زاده شده‌اند، ارزان و ناپایدار سازد و درازهم‌گسیختگی خانواده‌ای که نسبتاً گسترده است و حتی در ازهم‌گسیختگی هسته‌اش سهیم باشد (محلاتی، ۱۳۷۸: ۳۵). و از طرفی دیگر اسکان غیررسمی به سبب ایجاد فقر و گسترش آن، به مخاطره انداختن محیط زیست و تحمیل هزینه‌ای برای حل مشکلات تهدیدی جدی برای پایداری و انسجام جامعه شهری تلقی شده و نیاز به اتخاذ تدابیر ویژه‌ای برای سازماندهی وضعیت کنونی و جلوگیری از گسترش آن در آینده را می‌طلبد (هادی زاده، ۱۳۸۴). اکثر ساکنان حاشیه‌نشین، طبقه فقیر جامعه شهری و مهاجران روستایی‌اند که با کوله-باری از فقر و محنت و با سراب زندگی بهتر، جذب زندگی شهری شده‌اند. تخصص آنان که بیش‌تر در زمینه کشاورزی سنتی بوده، اینک در مشاغل سیاه و

کاذب و فعالیت‌های ساختمانی، رفتگری، کارگری ساده و به عبارتی در بخش‌های غیرمولد فعالیت می‌کنند.

یکی از عوامل مهم که ممکن است امنیت اجتماعی یک جامعه را تهدید کند، نابرابری‌های منطقه‌ای در نقاط مختلف جغرافیایی آن کشور است. عدالت منطقه‌ای یعنی اینکه تمام مناطق جغرافیایی کشور در دستیابی به امکانات و موقعیت‌های توسعه و پیشرفت و شاخص‌های رفاهی، آموزشی، بهداشتی و... همسان و یکسان باشند و یا حداقل تفاوت‌های چشمگیر و محسوسی بین مناطق حاشیه‌نشین به وجود آید که به دنبال آن نیز محیطی کاملاً ناامن که ارتکاب جرایمی همچون قتل، سرقت، اعتیاد، تولید انواع مشروبات الکلی و... از نتایج آن است.

علل گرایش به رفتارهای ضد اجتماعی و ناسازگاری اجتماعی در مناطق حاشیه-

نشین

منظور از گرایش به رفتارهای ضد اجتماعی نوعی آمادگی ذهنی و روانی در عدم پیروی از قواعد و مقررات اجتماعی و ابراز احساس دشمنی نسبت به محیط پیرامون است. نتایج تحقیقات انجام شده بیانگر آن است که گرایش به رفتارهای ضد اجتماعی در حال حاضر متأثر از عواملی چون وضعیت آنومیک فردی، سطح تحصیلات، رضایت سیاسی، اثربخشی مسئولان در حل مسایل افراد و... است.

تراکم بالای جمعیت، سطح پایین تحصیلات و نوع غالب کسب درآمد در حاشیه-نشین‌ها می‌تواند عامل تشویق‌کننده‌ای برای ایجاد اختلال اجتماعی باشند. سابقه شهرک‌ها، مجتمع‌های مسکونی و مهاجران به این اماکن، حکایت از آن دارد که این مکان‌ها فاقد یک هویت اجتماعی-فرهنگی مستقل هستند، در نتیجه در این مکان‌ها حامیانی برای حفظ ارزش‌ها و هنجارها وجود ندارد و از هر نقطه‌ای به این نقاط مهاجرت صورت می‌گیرد و کمتر با مقاومت اجتماعی و فرهنگی روبه‌رو می‌شوند،

حاشیه‌نشینان که قربانی طرد اجتماعی هستند در مقابل تمام اصول و هنجارهای اجتماعی غالب موضع‌گیری می‌کنند.

تعارض اجتماعی و طبقاتی حاشیه‌نشینان و بالأخص فرزندان این طبقه پایین شهری با طبقات متوسط و بالای شهر در شدیدترین حالت خود موجب شکل‌گیری خرده فرهنگ‌های جوانان منحرف و بزهکار می‌شود.

این خرده فرهنگ‌های بزهکارانه معمولاً مردانه هستند و به قتل و غارت، رفتارهای وندالیستی، اعتیاد، سرقت، خشونت‌های خیابانی، همکاری با گروه‌های تبهکاری بزرگسالان، فحشا و قانون‌شکنی می‌پردازند و در مواقعی نیز در راستای اهدافشان از زنان جوان طبقه خود استفاده می‌کنند.

در اغلب مواقع برخورد پلیس و جامعه با این گروه‌ها به گونه‌ای است که به نهادینه شدن و تعمیق این تعارض‌های اجتماعی منجر می‌شود. حاشیه‌نشینان در نظام اجتماعی شهر به طور کامل ادغام نشده‌اند و از این رو، به عنوان شهروندان رسمی در جامعه پذیرفته نمی‌شوند یا لاقلاً خود چنین احساسی دارند. همین گسست از جامعه شهری و عدم تعلق شهروندی همراه با سایر ویژگی‌های حاشیه‌نشینی همچون پایین بودن سطح سواد و مهارت شغلی، مانع مشارکت توسعه‌ای مردم این مناطق می‌شود (نقدی، صادقی ۱۳۸۵: ۲۲۶).

سابقه شهرنشینی و مناطق حاشیه‌نشین در شهر همدان

شهر همدان در ارتفاع ۱۸۵۰ متری از سطح دریا قرار دارد. استقرار شهر روی یک دشت پایکوهی، ویژگی‌های مورفولوژیکی خاصی را به این شهر بخشیده است. به عبارت دیگر جهات توسعه و شبکه‌های شهری عموماً به تبعیت از شیب و با انطباق هر چه بیشتر با محیط صورت پذیرفته است. به طور عمومی شیب شهر همدان از

جنوب به شمال و به تبعیت از شیب دامنه‌های الوند است. (مطالعات امکان‌سنجی بهسازی شهرنگر و توانمندسازی اجتماعی شهر همدان، ۱۳۸۵).

منابع تاریخی سابقه شهر همدان کنونی را به ۱۱۰۰ سال قبل از میلاد بازمی‌گرداند. برابر اطلاعات تاریخی، هگمتانه اولین پایتخت ملی ایران است که توسط دی‌آکو بنیان نهاده شد (گلزاری، مسعود).

تا قبل از ۱۳۱۰ هجری شمسی، شهر همدان همانند دیگر شهرهای کشور از رشدی بدون برنامه و طرح از پیش اندیشیده‌گسترش یافته است. این شهر جزء اولین شهرهای کشور است که توسط مهندس آلمانی «کارل فریش» طرحی شعاعی برای آن تهیه گردید که این طرح اساس توسعه‌های بعدی شهر قرار گرفت و ساختار و فرم شهر را تعیین نمود. بررسی نقشه‌های دوره‌های ۴۵ تاکنون حاکی از این است که توسعه شهر طی دوره ۵۵ - ۱۳۳۵ از ساختار کاملاً شعاعی پیروی کرده است. اما پس از دوره مذکور به ویژه پس از انقلاب، رشد شهرنشینی و به تبع آن گسترش کالبدی شهر مجال تعمق در تهیه طرح‌های شهرسازی را از مدیریت شهری گرفت و عمدتاً توسعه‌ها به شکل گسیخته از بافت قبلی و خارج از فرم و ساختار اصلی شهر (شعاعی) صورت پذیرفت. (مطالعات امکان‌سنجی بهسازی شهرنگر و توانمندسازی اجتماعی شهر همدان، ۱۳۸۵).

در سال ۱۳۴۹ یکی از تحولات ساختاری شهر همدان رقم خورد و شهرک‌هایی با طرح و برنامه از پیش تعیین شده قبلی ایجاد گردیدند. ویژگی اصلی این شهرک‌ها از نظر ساختاری شهرسازی، هدایت شهر به سمت توسعه گسیخته بود و عملاً شهر را از توسعه شعاعی خارج ساخته است. مشخصات آن‌ها به شرح زیر است: ۱) شهرک شهید چمران، ۲) شهرک الوند، ۳) شهرک فرهنگیان، ۴) شهرک شهید مدنی، ۵) شهرک آزادشهر، ۶) شهرک ولیعصر.

روند گسترش کالبدی شهر همدان از سال ۱۳۴۴ به بعد با اوج‌گیری مهاجرت‌های روستا - شهری به‌ویژه پس از گسیختگی نظام مدیریتی در روستاها شدت بیش‌تری گرفت و در سال ۱۳۴۹ که مقارن به آغاز شهرک‌سازی‌های منفک از بافت اصلی شهر بود، بسترهای لازم برای گسترش بدون برنامه اراضی واقع در حدفاصل بافت اصلی شهر و شهرک‌های جدید فراهم گردید. این روند به شدت موجب تثبیت و توسعه محلات و سکونتگاه‌های فقیرنشین موجود گردید. به‌طور کلی در همین دوران است که محلات فقیرنشین، هلالی را تشکیل دادند که می‌توان از آن به نام هلال فقیر شهر همدان نام برد. این محلات فقیرنشین عبارتند از: مزدقینه، چرم‌سازی، حصار، دیزج، خضر (مطالعات امکان‌سنجی به‌سازی شهرنگر و توانمندسازی اجتماعی شهر همدان، ۱۳۸۵).

منشأ حاشیه‌نشینان شهر همدان

- ۱- مهاجران روستایی؛
- ۲- افراد و خانواده‌های آسیب‌پذیر یا فروپاشیده بر اثر فوت سرپرست، اعتیاد و یا ورشکسته بر اثر سایر عوامل؛
- ۳- جمعیت روستاهای ادغام شده در بافت شهری که به دلیل فقدان سطح زندگی استاندارد شهری به حاشیه رانده می‌شوند (نقدی، ۱۳۸۵).

ویژگی‌های مهاجرت در شهر همدان

در واقع حوزه نفوذ شهر همدان علاوه بر اینکه تمامی شهرها و روستاهای استان را در بر گرفته است، از مرزهای سیاسی استان نیز فراتر رفته، به گونه‌ای که گستره آن حتی استان‌های همجوار کردستان، لرستان، کرمانشاه را نیز دربرگرفته است. این شعاع حوزه نفوذ هر چند مزایای بی‌شماری برای استان همدان و بالأخص شهر همدان در پی دارد، لیکن موانع و مشکلاتی نیز در سر راه آن ایجاد می‌کند.

مهاجرت‌های دسته‌جمعی روستاییان، سفرهای فصلی روزانه از نخستین تنگناهاست که پیامد آن حاشیه‌نشینی و در نتیجه رشد و گسترش سکونت‌گاه‌های غیررسمی است. هجوم مهاجران روستایی و شهرهای پیرامونی به شهر همدان باعث توسعه و گسترش قابل توجه آن شده و زمین‌های اطراف شهر را بلعیده و حاشیه‌نشینی مانند چرم‌سازی، حصار، دیزج، مزدقینه و خضر را به وجود آورده است که بر مشکلات شهر همدان افزوده است.

ترکیب قومی مناطق حاشیه‌نشین

محلات حاشیه‌نشین عموماً جایگاه مهاجرانی است که به دلایل عدیده‌ای همچون درآمد کم، دسترسی به امکانات شهری و... در این مکان اسکان گزیده‌اند و اولین مرحله در فرآیند شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی، انتخاب مکان است که عمدتاً معیارهایی چون ارزان‌ی و دسترسی به زمین، نزدیکی و دسترسی مناسب به محل کار و نیز دسترسی بیشتر به شهر اصلی صورت می‌گیرد. در محلات حصار، خضر، دیزج و چرم‌سازی حدود ۴۵ درصد جمعیت آن‌ها را مهاجرانی تشکیل می‌دهد که از نقاط روستایی و شهری استان و خارج استان به این نقاط مهاجرت نموده‌اند. مهاجران اولیه پس از تصرف زمین در محلات مذکور، سرپناهی موقت به سرعت در آن‌ها بنا نموده‌اند و به موازات تثبیت موقعیت سکونت‌گاه خود و امنیت نسبی تصرف، خانواده‌های بیشتری از همان زادگاه مهاجران اولیه و اقوام آنان به جمع آنان پیوسته و بدون توجه به زیرساخت‌ها و خدمات مورد نیاز، به سرعت رشد نموده و گسترش وسیع‌تری را تحت پوشش قرار داده‌اند.

محله دیزج

محله فقیرنشین دیزج، غربی‌ترین محله فقیرنشین شهر همدان محسوب می‌شود. هسته اولیه این سکونتگاه، روستای حصار دیزج است که به مرور ساخت‌وسازها در

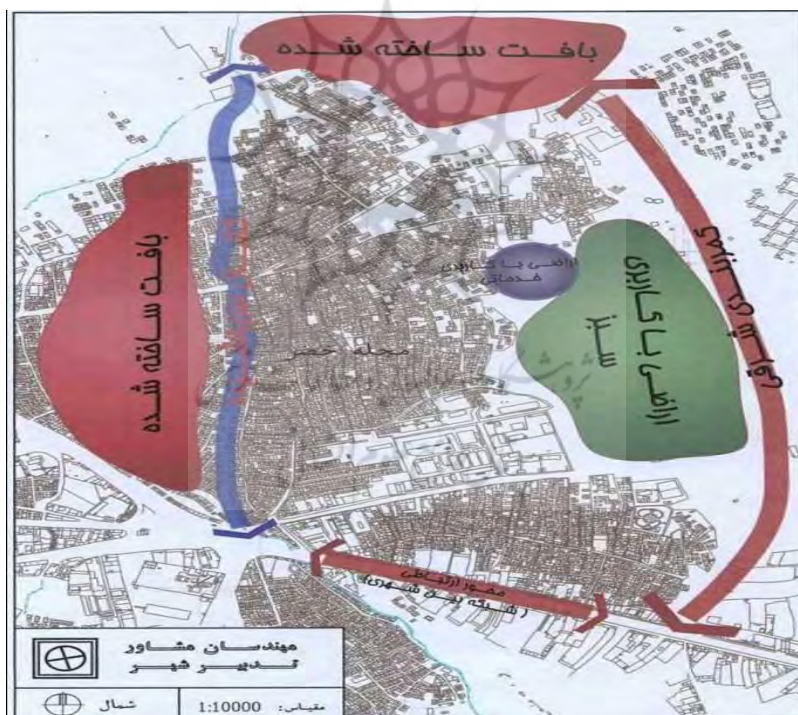
اطراف این هسته شکل گرفته است. وجود اراضی در اطراف روستا و فقدان نظارت- های لازم از جمله دلایل رشد بی‌برنامه این محله محسوب می‌گردد. درصد بی‌کاری ۱۶/۵ درصد است، ۴۱/۲ درصد از شاغلان موجود را کارگران ساده تشکیل می‌دهند و ۱۲/۳ درصد از شاغلان در سایر مشاغل غیرقابل دسته‌بندی همچون دستفروشی و سایر مشاغل غیررسمی قرار دارند، به همین دلیل وضعیت کیفی نیروی شاغل در محله بسیار پایین بوده و به همین جهت سطح درآمد خانوارها نیز از میزان پایینی برخوردار است. ترکیب قومی ۶۷/۵ درصد ساکنان بومی استان همدان و مابقی مهاجران کردستان، کرمانشاه، زنجان، تهران و عشایر استان هستند، ۳۴/۹ درصد از سرپرستان خانوار در این محله، بی‌سواد هستند. (مطالعات امکان‌سنجی به‌سازی شهرنگر و توانمندسازی اجتماعی شهر همدان، ۱۳۸۵).



شکل شماره ۱

محلۀ خضر

از جمله محلاتی است که فاقد هسته روستایی است، بنابراین هسته و نقطه اولیه آن روی اراضی زراعی حاشیه شهر شکل گرفته است. بر اساس اطلاعات موجود ۷۸/۶ درصد از شاغلان در گروه کارگری قرار دارند، به همین دلیل کیفیت زندگی و بافت کالبدی نیز به تبعیت از همین عامل از سطح مناسبی برخوردار نیست. ترکیب قومی در این محله ۸۰/۶ درصد بومی استان همدان و مابقی از کرمانشاه، کردستان، زنجان، مرکزی، تهران، لرستان، اصفهان، مازندران و عشایر منطقه است که بیش از ۴۲ درصد آنان بی سواد هستند. (مطالعات امکان سنجی به سازی شهرنگر و توانمندسازی اجتماعی شهر همدان، ۱۳۸۵)



شکل شماره ۲

محله حصار

از جمله محلات فقیرنشین شهر همدان محسوب می‌گردد که دارای هسته روستایی است. گسترش کالبدی محله مذکور بر روی اراضی کشاورزی روستای حصار صورت پذیرفته و این رشد همچنان ادامه دارد. در این محله ۲۲/۲ درصد از مجموع شاغلان در بخش نیمه‌رسمی فعالیت می‌کنند، علاوه بر این میزان بی‌کاری معادل ۱۴/۳ درصد است.

وجه مشخصه اصلی این محله با سایر محلات فقیرنشین همدان، میزان بالای شاغلان در بخش غیررسمی است که نشانگر ناپایداری اقتصادی و به تبع آن، نتایج منفی این‌گونه از اقتصاد بر کیفیت زندگی و بافت کالبدی محله است.

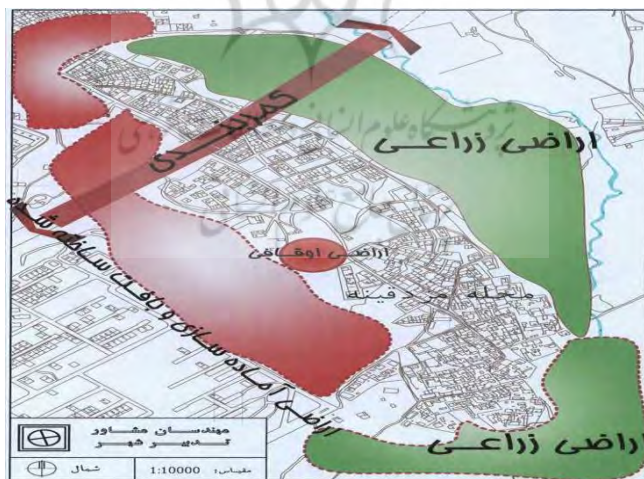
ترکیب قومی این محله ۷۸ درصد بومی استان همدان و مابقی از کردستان، کرمانشاه، زنجان، مرکزی، تهران، خوزستان و قم را شامل می‌شود. (مطالعات امکان‌سنجی به-سازی شهرنگر و توانمند سازی اجتماعی شهر همدان، ۱۳۸۵)



شکل شماره ۳

محلّه مزدقینه

این محلّه در ابتدا یک روستای کوچک بوده که هم اکنون در اطراف حوزه به ویژه به سمت شمال و در دو طرف محور اصلی روستا ساخت و سازهای متعددی صورت می‌گیرد. این محلّه نسبت به سایر محلات فقیرنشین همدان ساخت روستایی تری را داراست و میزان کارگران به شکل قابل توجهی بالاتر از متوسط شهری است (۴۰/۶ درصد شاغلان را کارگران ساده تشکیل می‌دهند و دارای ۱۳/۵ درصد بیکاری است). ۹۵ درصد از ساکنان محلّه بومی استان هستند. این سکونت‌گاه، گونه خاصی از محلات فقیرنشین شهر همدان را به وجود آورده که حاصل مهاجرت‌های درون استانی است و بافت اصلی آن نیز از ترکیبی روستایی تشکیل یافته است. کیفیت سواد در محلّه، حاکی از این است که میزان بی‌سوادی سرپرستان خانوار از متوسط محلات بیشتر است و نکته قابل توجه در این محلّه این است که هیچ یک از سرپرستان خانوار در این محلّه دارای سطح سوادی بیش از دیپلم نبوده‌اند و کیفیت نیروی انسانی در آن در قیاس با سایر محلات پایین‌تر است.



شکل شماره ۴

که نوع و کیفیت اشتغال را در هر محله تحت تأثیر قرار داده و عموماً اشتغال در محله مذکور ناپایدار و فصلی است. (مطالعات امکان‌سنجی به‌سازی شهرنگر و توانمندسازی اجتماعی شهر همدان، ۱۳۸۵)

محله چرم‌سازی

در غرب بلوار دانشگاه و جنوب محور همدان-کرمانشاه قرار دارد، این محله از سویی با بلوار دانشگاه، از سمت شمال به وسیله محور همدان-کرمانشاه، از سمت جنوب به وسیله بافت ساخته شده و از طرف غرب به وسیله مسیل و سپس کاربری خدمات درمانی محدود شده است. میزان بی‌کاری در محله ۱۹/۷ درصد و ۴۲/۸ درصد از شاغلان موجود در محله را کارگران ساده تشکیل می‌دهند و میزان بالای کارگران ساده نشان دهنده گستره فقر و پایین بودن میزان درآمد خانوارها در این محله است. ۹۱/۴ درصد از مهاجران از ساکنان بومی استان همدان هستند و مابقی از کردستان، کرمانشاه، تهران و زنجان می‌باشند و ۳۶/۹ درصد سرپرستان خانوار بی-سواد هستند. (مطالعات امکان‌سنجی به‌سازی شهرنگر و توانمندسازی اجتماعی شهر

همدان، ۱۳۸۵)



شکل شماره ۵

ویژگی‌های مناطق حاشیه‌ای در شهر همدان

حاشیه‌نشینان حدود ۳۰ درصد کل خانوارهای شهر همدان را تشکیل می‌دهند. جمعیت در این مناطق به شدت جوان است.

- مشاهدات میدانی (نقدی، ۱۳۸۲) نشان می‌دهد، در این محلات افراد برای گذراندن زندگی به نگهداشتن حیوانات از جمله گاو و گوسفند مبادرت می‌ورزند. همچنین یکی از مشاغلی که در این مناطق رونق بسیار دارد، ایجاد مغازه‌های بقالی در کنار خانه‌هاست.

- بخش عمده اقتصاد مناطق به اقتصاد غیررسمی معروف است. کودکان این مناطق به مشاغلی مانند فروختن آدامس، بیسکویت و امثال آن‌ها در ترمینال‌ها و ایستگاه‌ها و سرخیابان مشغولند.

- از نظر فرهنگی این مناطق دارای بافت چند قومی و مهاجر است.

- از نظر بهداشتی، هم بهداشت محیط و هم بهداشت فردی مشکل دارد و بیماری‌های عفونی و واگیر بسیار زیاد است.

- از نظر بافت شهری و نوع معماری و مسکن از سایر نقاط شهری مجزاست. واحدهای مسکونی کوچک و تعداد افراد (سرانه مسکن) مساکن در هر واحد مسکونی زیاد است. مساکن نوعاً کم‌دوام یا بی‌دوام است و شکل هندسی محلات و معابر دارای فرم هماهنگ و مناسبی نیست و مجموعه این شرایط کار به‌سازی و بهبود ساختار کالبدی این مناطق را با مشکل مواجه می‌کند. (مطالعات امکان‌سنجی به‌سازی شهرنگر و توانمندسازی اجتماعی شهر همدان، ۱۳۸۵)

- منازل فاقد سند رسمی است و عموماً به شکل قولنامه‌ای خریداری شده‌اند.

- وجود خرده‌فرهنگ‌های گوناگون در این مناطق به زمینه بروز انواع نزاع‌ها کمک می‌کند، موضوعی که مورد تأکید فرمانده پاسگاه انتظامی مریانج بود.

- اتحاد و سازمان‌یافتگی سکنة نواحی حاشیه در خصوص مطالبات رفاهی و خدمات شهری جدی است.

- بالا بودن نرخ آسیب‌های اجتماعی بر اساس آمارهای دریافتی از نیروی انتظامی اغلب زنان روسپی و ویژه ساکن مناطق خضر و دیزج هستند و به گفته فرماندهی پاسگاه انتظامی مریانج در اغلب خانواده‌های مقیم دیزج یک نفر معتاد وجود دارد.

- اقتصاد غیررسمی در محلات حاشیه‌نشین، شاغل غیررسمی و فاقد مجوز بسیار یافت می‌شوند که برای دسترسی به کارگر ارزان و فرار از مالیات و هزینه تهیه مکان در محدوده اصلی شهر و احیاناً فعالیت‌های غیرقانونی یا پوششی به این نقاط روی می‌آورند (نقدی، ۱۳۸۵).

نتیجه‌گیری

حاشیه‌نشینی به معنای عام شامل تمام کسانی است که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند، ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند و در کشورهای در حال توسعه به محلات فقیرنشین اطلاق می‌شود که در اطراف شهرهای بزرگ به وجود آمده و ساکنان این مناطق به علل گوناگون نتوانسته‌اند جذب نظام اقتصادی - اجتماعی شهر شوند و از امکانات و خدمات شهری استفاده نمایند و به طور کلی مناطق حاشیه‌نشین نه امکانات شهری و نه شکل شمایل روستاها را دارا هستند.

به طور کلی اساس و بنیان محلات فقیرنشین شهری بر مبنای مهاجرت افراد فقیر اعم از مهاجرت‌های روستا- شهری و جابه‌جایی‌های جمعیت فقیر سایر نقاط شهر به این سکونتگاه‌ها شکل گرفته است. به همین دلیل شکل‌گیری سکونتگاه‌های مذکور فاقد هر گونه طرح از پیش اندیشیده‌ای بوده و صرفاً بر اساس نیاز آتی ساکنان رشد یافته‌اند، از سوی دیگر تبعات ناشی از فقر اقتصادی عملاً در قالب

مشکلات کالبدی و زیرساختی بافت، نوع و گونه مسکن و سطح رفاه اجتماعی ساکنان خود را نمایان می‌سازد.

بنابراین مجموع عوامل مذکور باعث ایجاد شکاف میان محلات فقیرنشین و سایر محلات رسمی شهر در زمینه برخورداری از انواع خدمات گردیده است. یکی از مسائل مهمی که حاشیه‌نشینی برای شهرهای بزرگ فراهم آورده است تهدید امنیت آنهاست. بخش اعظم جرائم و تخلفات اعم از سرقت، فروش مواد مخدر، فحشا، نزاع و درگیری در این مناطق صورت می‌گیرد. نداشتن اشتغال، وضعیت کاری بد و به تبع آن نداشتن درآمد ثابت برای گذراندن زندگی، سطح سواد پایین و باروری بالا سبب می‌شود حاشیه‌نشینان برای گذراندن زندگی خود و خانواده‌اش به رفتارهای ضد اجتماعی روی آورند. آنچه مسلم است ریشه همه جرائم، بزهکاری‌ها و نهایتاً تهدید امنیت اجتماعی به طور کلی در فقر و سازمان‌نیافتگی اجتماعی است. بدون توجه به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اصولی در این مناطق طبیعتاً مناطق حاشیه، ناامن خواهد بود و این ناامنی به متن شهر نیز خواهد رسید. ریشه جرایم و کژرفتاری‌های ضد اجتماعی باید در بطن و متن همان جرم خشکانده شود و این نیازمند مطالعه همه‌جانبه در امور اجتماعی، شهری، عمرانی و... است.

پیشنهاد برای جلوگیری از گسترش حاشیه‌نشینی

- ۱) ارتقای کیفیت سکونت از طریق اعطای برخی امکانات و تسهیلات و سعی در تطبیق منازل و محلات با اصول و معیارهای شهرسازی صورت پذیرد.
- ۲) احداث معابر و گذرگاه‌ها در این مناطق که امکان دسترسی آسان و فوری پلیس و نیروی انتظامی و امنیتی و اکیپ‌های امداد مثل خودروهای آتش‌نشانی و اورژانس و غیره را فراهم نماید.

۳) ایجاد روشنایی کافی در کوچه‌ها و معابر. تجربه نشان داده که در مکان‌های تاریک امکان ارتکاب جرم از جمله سرقت و جرح و قتل بیش‌تر از مکان‌های روشن است و وجود روشنایی کافی در این مناطق خود فی‌الذات عامل ارتکاب جرایم خواهد بود.

۴) شناسایی ارادل و اوباش و مجرمان سابقه‌دار این مناطق و تشکیل شناسنامه برای نام‌برندگان و تحت کنترل قرار دادن آنان از طریق احضارهای اتفاقی به مراجع انتظامی.

۵) بالا بردن ضریب امنیتی مناطق یاد شده توسط مراجع انتظامی و امنیتی از طریق ایجاد کلانتری‌ها و مراکز انتظامی و حضور مرتب گشت‌های بسیار در محلات و معابر.

۶) تعطیلی سریع مراکز صنعتی فاقد مجوز و پروانه کسب و الزام آن‌ها جهت اخذ مجوز و پروانه کسب.

۷) زیباسازی ظاهر ساختمان‌ها و بناهای موجود در این مناطق، چرا که ثابت شده مسکن بد و کثیف تأثیر در وقوع جرم دارد.

۸) ایجاد فضاهای تفریحی و فراغتی سالم جهت پر کردن اوقات فراغت ساکنان مناطق حاشیه‌نشین.

۹) بازرسی و نظارت کافی کارشناسان بهداشت و محیط زیست از مناطق حاشیه‌نشین و جلوگیری از انجام اقدامات علیه بهداشت عمومی و محیط‌زیست.

۱۰) آموزش عمومی به عنوان زیربنای فعالیت‌ها.

۱۱) اجرای برنامه‌های آموزشی ویژه و کاربردی در خصوص ارتقای اجتماعی، فرهنگی و..

۱۲) تسهیل فرآیند دسترسی به فرصت‌ها برای ساکنان با توجه به تنوع‌های قومیتی در این مناطق.

۱۳) تقویت نهادهای مدنی.

۱۴) مشارکت، روند برنامه‌های توسعه را توانمند خواهد ساخت تا مردم برای مشکلات خود برنامه‌ریزی و اجرا و ارزیابی نمایند که یک مفهوم صحیح از مشارکت پایدار است.


۱۵) مشارکت اجتماعی گامی بسیار مهم در جهت امنیت اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین به شمار می‌رود، چرا که از این طریق به نوعی اولاً نظارت اجتماعی منسجمی پیاده می‌شود و ثانیاً در جهت پیاده‌سازی برنامه‌ها و سیاست‌گذاری در زمینه ایجاد امنیت پایدار گام‌های اصولی برداشته می‌شود.



فهرست منابع

- آیرملو، رضا (۱۳۶۲)، «مهاجرت از روستا به شهرها در ایران: تحلیل علل مهاجرت»، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز، شماره ۳۲.
- ابراهیم زاده، عیسی، نگهبان مروی، محمد، «تحلیلی بر شهرنشینی و جایگاه شهرهای جدید در ایران»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۵.
- احمدیان، محمدعلی (۱۳۸۲)، «حاشیه‌نشینی - ریشه‌ها و راه حل‌ها»، اندیشه حوزه، شماره ۴۳ و ۴۴.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: انتشارات سمت.
- ربانی، رسول؛ افشارکهن، جواد (۱۳۸۱)، «حاشیه‌نشینی و مشارکت اجتماعی شهری»، مجله فرهنگ اصفهان، شماره ۲۳.
- شکویی، متین؛ شکرگزار، اصغر (۱۳۸۱)، «تعاونی‌های مسکن در ایران»، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز، سال هشتم، زمستان ۱۳۸۱.
- صرافی، مظفر (۱۳۸۱)، «به سوی نظریه‌ای برای سازماندهی اسکان غیررسمی»، فصلنامه هفت شهر، شماره هشتم، تهران: انتشارات سازمان عمران و بهسازی شهری.
- صرافی، مظفر (۱۳۷۹)، مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- عابدین درکوش، سعید (۱۳۸۵)، درآمدی بر اقتصاد شهری، تهران: نشر دانشگاهی.
- کمانرودی، موسی (۱۳۷۲)، اسکان غیررسمی در تهران، ساماندهی در منطقه ۶، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری.
- گلزاری، مسعود، سلسله انتشارات آثار ملی، کرمانشاهان، جلد اول - شامل بناها و آثار تاریخی اسدآباد، کنگاور، صحنه.
- محلاتی، صلاح‌الدین (۱۳۷۸)، بعد فرهنگی توسعه به سوی رهیافتی عملی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- مطالعات اسکان سنجی بهسازی شهرنگر و توانمندسازی اجتماعی شهر همدان، ۱۳۸۵.

- نبوی، بهروز (۱۳۷۲)، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کتابخانه.
- نظریان، اصغر (۱۳۸۱)، جغرافیای شهری ایران، تهران: پیام نور.
- نقدی، اسدالله (۱۳۸۵)، «حاشیه نشینی پیدایش، مسائل و راهکارها»، اولین همایش بین المللی طراحی شهر اصفهان.
- نقدی، اسدالله (۱۳۸۵)، حاشیه نشینی، مسأله شهرهای فردا، پژوهشگاه علوم انسانی.
- نقدی، اسدالله (۱۳۸۵)، درآمدی بر جامعه شناسی شهری، انسان و شهر، همدان: انتشارات فن آوران.
- نقدی، اسدالله؛ صادقی، رسول (۱۳۸۵)، «حاشیه نشینی فرآوری توسعه پایدار شهری (با تأکید بر شهر همدان)، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰.
- هادیزاده، مریم (۱۳۸۴)، ساماندهی نواحی حاشیه نشین، شهرداری مشهد.
- یاراحمدی، امیر (۱۳۸۷)، به سوی شهرسازی انسانگرا، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).
- یآوری، نفیسه (۱۳۸۳)، همایش شهرسازی ایران، شیراز، دانشکده هنر و معماری شیراز.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی